

نقش امام شیبانی در تدوین و توسعه حقوق بین الملل اسلامی



فضل احمد احمدی^۱

چکیده

غالباً ادعا می‌شود نظام حقوقی اسلام از جمله توسعه‌یافته‌ترین نظام‌های حقوقی جامعه بشریت به‌شمار می‌رود. این نظام در ابعاد مختلف زندگی بشر قواعد و مقرراتی را وضع کرده است، که حقوق بین‌الملل اسلامی یکی از این ابعاد بوده و به مرور زمان توسعه و تدوین یافته است. در این میان مسأله اساسی این است که فقیهان، به‌ویژه امام شیبانی چه قدر در تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل اسلامی نقش داشته است؟ هرچند تحقیق و تدوین در زمینه حقوق بین‌الملل اسلامی با سایر بخش‌های فقه اسلامی تا حدود زیادی متفاوت است، و این امر نیازمند بینش دوگانه ملّی - مذهبی و بین‌المللی - فرامذهبی می‌باشد، که هر فقهی قادر به نگاشتن در این زمینه نخواهد بود، باتوجه به این مطلب، این پرسش مطرح می‌شود که: امام محمد بن حسن شیبانی چه نقشی در زمینه تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل اسلامی داشته است؟ روش بررسی این پژوهش، توصیفی - تحلیلی از گونه کیفی مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای بوده است، که پس از جمع‌آوری اطلاعات موضوع و مسأله مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که امام محمد شیبانی نخستین کسی است که در زمینه حقوق بین‌المللی اسلامی کتاب‌های معین و مشخصی را با تقسیم‌بندی‌های منطقی و آراسته به رشته تحریر درآورده و افتخار مؤسس حقوق بین‌الملل اسلامی را از آن خود نموده است.

واژه‌گان کلیدی: امام محمد شیبانی، حقوق بین‌الملل اسلامی، فقه اسلامی، تدوین

حقوق، توسعه حقوق اسلامی، فقه حنفی.



Research Article

ISSN

P: 2788-4155

E: 2788-6441

Ghalib

Received: 10/ 02/ 2025

Accepted: 28/ 05/ 2025

Published: 22/ 07/ 2025



<<https://ghalibqjournal.com/index.php/ghalibqjournal>>

DOI: <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.2.1>

PP: 1 – 21

The Role of Imam al-Shaybani in the Codification and Development of Islamic International Law



Fazal ahmad Ahmadi¹

Abstract

The Islamic legal system is frequently regarded as one of the most sophisticated legal frameworks in human civilization, offering comprehensive regulations for various dimensions of human life. Among these dimensions is Islamic international law, which has gradually developed and been codified over time. A fundamental question in this regard concerns the extent to which Muslim jurists—particularly Imam Muhammad al-Shaybani—have contributed to the codification and development of this field. While scholarship in Islamic international law differs considerably from other branches of Islamic jurisprudence—demanding a dual perspective that encompasses both national-religious and international-trans-sectarian dimensions—only a select group of jurists have possessed the intellectual and methodological capacity to address this domain. Against this backdrop, the present study investigates the specific role of Imam Muhammad ibn al-Hasan al-Shaybani in shaping Islamic international law. Methodologically, the research adopts a qualitative, descriptive-analytical approach based on library resources. After gathering relevant data, the study analyzed the subject and its core issues. The findings indicate that Imam al-Shaybani was the first to produce well-structured and thematically organized legal texts on Islamic international law. His pioneering efforts earned him recognition as the founder of this discipline within the broader framework of Islamic jurisprudence.

Keywords: Imam Muhammad al-Shaybani, Islamic International Law, Islamic Jurisprudence, Codification of Law, Development of Islamic Law, Hanafi Jurisprudence.

GHALIB (International Journal of Law, Political Science and International Relations)
Volume 14, Issue 2, 2025

¹ Faculty of International Relations, Faculty of Law and Political Science, Jami University, Herat, Afghanistan
(fazalahmadahmadi@gmail.com)



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License

۱. مقدمه

اسلام یکی از ادیان بزرگ جامعه بشری است، که دارای توسعه یافته ترین نظام حقوقی می باشد. این نظام در ابعاد مختلفی زنده گی بشر قواعد و مقررات ویژه خود را وضع کرده است، که حقوق بین الملل اسلامی یکی از این ابعاد را در گسترده ترین وجه شامل می گردد؛ باین حال، توسعه و تدوین هر یک از این بخش های مختلف نظام حقوقی اسلام یک نیاز مبرم است، که فقیهان و حقوق دانان اسلامی هر یک به سهم خویش به این تکلیف همت گماشته اند؛ اما تحقیق، تدوین و توسعه حقوق بین الملل اسلامی با سایر بخش های فقه تا حدود زیادی متفاوت است و نیازمند بینش دوگانه ملی - مذهبی و بین المللی - فرامذهبی است، که هر حقوق دان و فقهی قادر به نگارش موضوعات و مسائل در این زمینه نخواهد بود؛ از این رو، این مسأله به میان آید که فقیهان چه قدر می توانند در این زمینه دست به قلم به زند و باعث تدوین و توسعه حقوق بین الملل اسلامی شوند و به ویژه امام شیبانی در این زمینه از چه منزلتی بهره مند است؛ زیرا عده یی وی را بانی و تعدادی دیگر تفریع و توسعه دهنده حقوق بین الملل اسلامی می دانند.

پیشینه تحقیق به وضوح نشان از آن دارد که نویسندگان کمتری در این عرصه قلم به دست گرفته و آثاری از خود به جا گذاشته اند. مخصوصاً در زبان فارسی، نوشته خاصی در این زمینه، جز مقالاتی چند، که آن هم به گونه پراکنده به این موضوع پرداخته است، وجود ندارد. به عنوان مثال، عبدالحکیم سلیمی در مقاله یی تحت عنوان «اسلام خاستگاه واقعی حقوق بین الملل»،^۱ تنها به کتاب های امام شیبانی به عنوان منبع اشاره می کند. در ادبیات عربی نیز کتاب های مختلفی در زمینه حقوق بین الملل اسلامی نگاشته شده، اما کتاب های کمتری که در آن نقش امام شیبانی در تدوین و توسعه حقوق بین الملل اسلامی مطرح باشد، وجود دارد. مانند کتاب: الامام محمد بن حسن الشیبانی و اثره فی الفقه الاسلامی، نوشته محمد الدسوقی، که بیش تر به ابداعات فقهی امام شیبانی اشاره دارد؛ بلوغ الامانی فی سیره الامام محمد بن الحسن الشیبانی، نوشته محمد زاهد کوثری، در این کتاب بیش تر زنده گی فقهی و علمی شیبانی پرداخته شده است؛ المعاهدات الدولية فی فقه الامام محمد بن الحسن الشیبانی، و اصول العلاقات الدولية فی فقه الامام محمد بن الحسن الشیبانی، نوشته عثمان بن جمعه ضمیریه. کتاب های ضمیریه هر چند کتاب های تحقیقی و رساله دکترای مؤلف است و به صورت دقیق تر به مسائل بین المللی پرداخته، باین حال، به مسأله نقش امام شیبانی در تدوین و توسعه حقوق بین الملل اسلامی کم تر توجه شده است؛ الامام محمد بن الحسن الشیبانی نابغة الفقه الاسلامی، نوشته علی احمد الندوی نیز بیش تر به نقش امام شیبانی در مورد تفریع قواعد فقهی پرداخته است و

۱. مجموعه مقالات کنفرانس بین المللی علوم انسانی و اسلامی، پاییز ۱۳۹۶، دوره سوم، شماره ۶ صفحات ۴۰۲ تا ۴۳۰.

چند کتاب مناقب، که در آن‌ها نقش امام ابوحنیفه، امام ابو یوسف و امام محمد به‌گونه مشترک اشاره شده است. مجید خدوری نیز کوشش‌هایی در زمینه نشر آثار امام شیبانی انجام داده است، که می‌توان گفت آثار خدوری درواقع بازنشر آثار شیبانی به زبان انگلیسی است؛ بنابراین، باتوجه به پیشینه یادشده، تفاوت اساسی این نوشته با سایر منابع موجود در این نکته خلاص می‌شود که مقاله حاضر، به‌گونه دقیق‌تر به نقش امام محمد شیبانی در زمینه تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل اسلامی پرداخته و نمایان می‌سازد، که نه‌تنها این‌که امام محمد نقش برآورنده در تدوین آن داشته، بل‌که بسیاری از مواردی حقوق بین‌الملل اسلامی را وی مطرح و توسعه داده است.

باتوجه به نبود پیشینه وافر و وجود کتاب‌های متعدد در این زمینه، اهمیت نوشتن مقاله‌ای که در آن نقش امام شیبانی در تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل اسلامی مطرح باشد، بیش‌تر و به‌تر احساس می‌شود؛ زیرا در صورت عدم تبیین نقش امام شیبانی در تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل اسلامی، سیر تاریخی این رشته دارای خلای قابل ملاحظه خواهد بود.

باتوجه به مطالب فوق، این پرسش مطرح می‌شود که امام محمد بن حسن شیبانی به‌عنوان یکی از پیش‌وایان جهان اسلام به‌ویژه در میان احناف، چه نقشی در زمینه تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل اسلامی داشته است؟ روش بررسی این پژوهش، توصیفی، روایی-تحلیلی و محتوای کیفی مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای است، که پس از جمع‌آوری اطلاعات موضوع و مسأله مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

یافته‌های تحقیق بیان‌گر آن است که امام محمد شیبانی به‌عنوان یک فقیه دانا و اندیشه‌مند بزرگ جهان اسلام، نه‌تنها این‌که بسیاری از مسائل دیگر فقهی را تفریع و تدوین نموده، بل‌که بیان‌گذار برخی از موضوعات حقوق بین‌الملل اسلامی و نخستین کسی است که در این زمینه کتاب‌های معین و مشخص را با تقسیم‌بندی‌های منطقی آراسته و به رشته تحریر درآورده و افتخار تدوین‌کننده و توسعه‌دهنده حقوق بین‌الملل اسلامی را از آن خود نموده و جای‌گاه حقوقی وی در میان مسائل حقوقی به شدت برآورنده است.

۲. پیشینه حقوق بین‌الملل اسلامی

حقوق بین‌الملل اسلامی به موازات سایر موضوعات و مسائل موردنیاز جامعه بشری ضروری است و تردیدی در این نیست که این رشته سوای از حقوق عمومی اسلامی (شریعت) نیست، بل‌که یک شاخه‌یی از حقوق عمومی اسلام است، که شامل یک مجموعه از قواعد می‌شود؛ و از لحاظ تاریخی اساس فقه و قواعد اسلامی از آغاز بعثت پیامبر اسلام^(ص) در قرن ششم میلادی نهاده شد و بخشی از قواعد فقه از همان آغاز بعثت در زمینه مسائل بین‌المللی تأسیس گردید و در رابطه میان دولت

مدینه و جهان خارج عملاً اجرا شد؛ از این رو، تأسیس قواعد فقه در حوزه حقوق بین الملل در حقیقت ده قرن پیش از تأسیس حقوق بین الملل اروپایی توسط گروسیوس هالندی در قرن شانزدهم و بنام و دیگران انجام پذیرفت (عمید زنجانی، ۱۳۹۲: ۳)؛ در واقع گواه بر این ادعا آیات متعددی از قرآن کریم است که به مسائل بین المللی پرداخته و قواعد عمومی را در این زمینه بیان کرده است.

باین حال، پیامبر^(ص) وفات نمود. بدون این که فقهی مدون از خود به جای گذاشته باشد؛ تنها مجموعه‌یی از قواعد، اصول و احکام جزئی ثابت در قرآن کریم و سنت باقی مانده بود (الدسوقی، ۱۹۷۸: ۲۲). در زمان خلافت ابوبکر صدیق^(رض)، در حالی که به وسعت سرزمین‌های اسلامی افزوده می‌شد و تعداد مسلمانان افزون می‌گردید، هم‌چنان فقه مدون وجود نداشت. سپس حضرت عمر بن خطاب^(رض) عهده‌دار خلافت شده و به ادامه فتوحات ابوبکر صدیق^(رض) افزود و شهرهای بزرگی مانند فسطاط، کوفه و بصره را تأسیس نمود. با انتشار اسلام در سرزمین‌های مختلف، فرهنگ‌ها و تمدن‌های متفاوتی تحت لوای اسلام قرار گرفت؛ از این رو، ایجاب می‌کرد قواعد و اصول جدیدی ایجاد شود؛ زیرا وقایع و حوادثی رخ می‌داد که در زمان رسول الله^(ص) اتفاق نیفتاده بود و در قرآن کریم و احادیث نیز در مورد آن‌ها حکم صریح وجود نداشت؛ بنابراین، ضرورت به اجتهاد به میان آمد. از این رو، صحابه کرام رو به اجتهاد آوردند و علاوه بر این که به دیدگاه‌های یک‌دیگر احترام قائل بودند، به‌خاطر نزدیک بودن با زمان نزول وحی، به اصول و مبانی اسلام نیز آگاهی کامل داشتند (الدسوقی، ۱۹۷۸: ۲۳). باین حال، صحابه در مورد مسائل و وقایع، اول به قرآن کریم و سپس به سنت پیامبر^(ص) مراجعه می‌کردند و اگر در آن‌ها قواعدی نمی‌یافتند، آن‌گاه اجتهاد می‌نمودند؛ چنان که روایت است حضرت ابوبکر و عمر^(رض) وقتی موضوعی نزد ایشان مطرح می‌شد، اول به کتاب الله و سپس سنت رسول الله^(ص) نگاه می‌کردند؛ اگر حکمی در آن مورد می‌یافتند با آن حکم می‌کردند و اگر نمی‌یافتند علمای مردم را جمع نموده با آنان مشوره می‌کردند، هرگاه نظر همه در موردی به اتفاق می‌رسید، با آن حکم می‌کردند. واضح است که اجماع صحابه مانند مجالس قانون‌گذاری امروزه نبود، اما زمینه همان روند است.

باین حال شکی نیست که اجتماع صحابه مجلس اعلی در مورد تصمیم‌گیری مسائل مهم بود و در عین حال موافقت ایشان به این معنا نبود که هیچ مخالفتی وجود نداشته باشد، بل که مقصود اتفاق نظر بیش‌تر آنان در مورد موضوع واقع بود (الدسوقی، ۱۹۷۸: ۲۶).

پس از دوران صحابه، دوره تابعین و فقیهان ائمه فرا می‌رسد. در میان فقیهان تابعین فقه حنفی یکی از بهترین و مهم‌ترین روش‌ها در حل مشکلات حقوقی - سیاسی جامعه اسلامی به‌شمار می‌رود. این واقعیت از آن‌جا نشأت می‌گیرد، که مسائل جدیدی هم‌راه با گسترش و رونق دولت اسلامی پیش می‌آمد و مشکلاتی که بر سر حل مسائل پیچیده به‌وجود می‌آمد، یک محدث، که مسائل را تنها در

الفاظ صریح احادیث جست و جو می کند، نمی توانست آن ها را در دایره روایت ها حل نماید. این مسائل را همان فقیهان و علمای گوشه نشین که مشغول تحقیق جزئیات و فروع مختلف فقهی بودند، توانستند حل نمایند؛ زیرا کسانی شایسته گی حل مسائل جدید و نیازهای روز را دارد، که بتوانند در روشنی قرآن کریم، حدیث و اقوال صحابه و تابعین و در چهارچوب اصول و ضوابط تدوین شده از سوی ائمه دین، تلاش نموده و با ملکه تفقه و اجتهادی که دارد، آن ها را با در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان به نحو احسن حل نماید و در عین حال از مسائل پیش آمده مسلمانان و همچنین از شرایط روز حقوقی، سیاسی و اجتماعی اطلاع کافی داشته باشد، اما کسانی که سطحی نگر هستند، با این امور وابسته گی ندارند و تنها تابع خطوط و اشارات هستند و می خواهند آن ها مشکلات را حل نمایند (صفر، ۱۳۹۸: ۱۳۲). تردیدی در این نیست که حل مسائل جدید دولت اسلامی و حضور یاران ابوحنیفه در مقام های مثل قاضی القضاة، سبب شد خلفا و پادشاهان، فقه حنفی را به عنوان فقه دولت اسلامی برگزینند؛ زیرا آن ها هر مسأله جدیدی را که در ظاهر نصوص قرآن کریم و احادیث نمی یافتند، آن را در اصول و کلیات این مذهب می یافتند. به همین دلیل فقه حنفی جامعیت یافت و به عنوان فقه زنده و پویا مورد قبول عام و خاص قرار گرفت. در واقع از اصحاب این نظم فقهی انتظار می رفت تا موضوعات و مسائل حقوق بین الملل اسلامی را نیز تدوین و توسعه دهند. روی این ملحوظ بود که درس های گوناگون از امام ابوحنیفه ^(ح) پیرامون قواعد حقوق بین الملل اسلامی برگزار می شد و به مرور زمان و با درگذشت ایشان، این امر به پیروان این گرایش، به ویژه به امام شیبانی واگذار شد.

۳. چستی حقوق بین الملل اسلامی

اعراب در دوره جاهلیت، عرف های بین المللی خاص خود را داشتند؛ اما نتوانستند آن ها را در یک نظام جای دهند. هنگامی که اسلام ظهور کرد و دولت خود را بنیان گذاشت، نخستین عنوانی که صاحب نظران مسلمان به شاخه خاصی از حقوق، که در خصوص جنگ، صلح و بی طرف بحث می کرد، «سیر» اطلاق کردند، که جمع کلمه «سیره» به معنای سلوک و رفتار است (حمیدالله، ۱۳۸۴: ۱۶)؛ به سخن دیگر، فقیهان معمولاً از روابط بین المللی به گونه عام و میان مسلمانان و غیرمسلمانان به صورت خاص تحت عنوان «کتاب السیر» سخن می گویند. سیر در لغت جمع سیره به معنای روش و طریقه است (ابن منظور، ۲۰۰۸: ۶۶۹) و در بعض موارد منظور روش پیامبر ^(ص) در غزوات ایشان است، که شامل بحث حقیقت جهاد، تکلیف به نبرد و بایدهایی که در شروع، جریان و انتهای نبرد در نظر گرفته شود و همچنین حکم معاهدات امان، هدنه، قرارداد ذمی، حکم انفال (زیادتها) و غنایم (امتیازات جنگی) و چه گونه گی تقسیم آن ها، حکم اموال مسلمانانی که دشمن به

آن دست‌رسی پیدا می‌کند، حکم اسیران جنگی و کسانی که از دین خارج می‌شود، می‌گردد (الزحلی، ۱۴۲۷: ۵۸۴۵). به نبرد نیز از آن جهت سیر گفته‌اند، که برای رسیدن به دشمن طی طریق می‌کنند. در ادبیات و اصطلاح فقه، سیر به روش‌هایی که در نبرد با دشمن در شرع و فقه لحاظ شده می‌گویند. فقیهان در مبحث سیر در کنار پرداختن به جنگ و صلح به مباحث مرتبط با روابط و حقوق بین‌الملل نیز پرداخته‌اند (شیبانی، ۱۳۹۹: ۹).

سابقه تاریخی نشان می‌دهد که از دوران پیامبر (ص) و حتی قبل از آن، به رفتار و سلوک حاکم نه فقط در زمان جنگ، بل که در زمان صلح نیز اصطلاح «سیره» استفاده شده است. با آن که این تعریف بر اساس نظر نویسنده‌گان قرن سوم هجری است، اما حداقل یک قرن قبل، اصطلاح «سیره» برای «حقوق بین‌الملل» پذیرفته شده بود. موضوع «سیر» در قدیمی‌ترین کتاب فقهی، «المجموع فی الفقه»^۱ اثر زید بن علی، پسر بزرگ امام علی بن الحسین، که در حدود سال ۱۲۰ هـ ق. درگذشت، فصلی به نام کتاب «السیر» دارد. اوزاعی (متوفای ۱۵۷ هجری) نیز از جمله نخستین کسانی است که به سیر به عنوان موضوعی مستقل نگریسته است. آرای اوزاعی در این موضوع در کتابی به نام السیر جمع‌آوری شد، اما امروزه این کتاب وجود ندارد؛ بل که محتوای آن را در کتاب‌های ابو یوسف و شافعی می‌توان یافت. باین حال، ابوحنیفه (متوفای ۱۵۰ هـ ق) نخستین کسی است که اصطلاح «سیر» را به مجموعه‌یی از درس‌های خاص خود درباره حقوق جنگ و صلح اسلامی اطلاق کرده است و به حقوق بین‌الملل به عنوان یک علم متمایز و موضوعی مستقل پرداخته است؛ به سخن دیگر، امام ابوحنیفه (ح)^۲ و شاگردانش نخستین کسانی بودند که به طور فراگیر روابط خارجی سرزمین اسلام با دنیای خارج را بررسی کردند (شیبانی، ۱۳۹۹: ۱۳). این درس‌ها توسط چند تن از شاگردان او ویراسته و تهذیب شده و در کتاب‌هایی گرد آمده است که از آن جمله می‌توان به کتاب سیر الصغیر و سیر الکبیر محمد بن حسن شیبانی^۳ و کتاب السیر ابراهیم الفزاری (متوفای ۱۸۸ هـ ق) که هم‌اکنون در دسترس قرار دارد، اشاره کرد. به قول عده‌یی از نویسندگان، محمد بن حسن شیبانی از یاران ابوحنیفه و کسی است که از همه نام‌برده‌گان (نویسنده‌گان در مورد سیر) به تر در زمینه حقوق بین‌الملل اسلامی، کتاب تخصصی پدید آورده است (خلیلان، ۱۳۸۲: ۶۲). کتاب‌هایی که بعد از دوازده قرن هم‌چنان راه‌نما و راه‌گشای بسیاری از مسائل حقوق بین‌الملل است.

^۱ فقه یعنی مجموعه قوانینی که تفصیل اعمال مسلمانان را در مورد عبادات (آیین دینی)، معاملات (انواع گوناگون قراردادها و عقد نکاح) و عقوبات (مجازات‌هایی که برای نقض این قواعد وضع گردیده) بیان می‌کند و به طور خلاصه یعنی تمام قوانین.

^۲ کتاب سیر محمد بن حسن شیبانی به صورت پرسش و پاسخ نگاشته شده، بیش تر شبیه ادبیات گفتاری است تا یک متن علمی کلاسیک. انگار مؤلف خاطرات مباحثه‌های علمی‌اش را با استادش به رشته تحریر در آورده است. پرسش گر ابو یوسف و محمد شاگردان ابوحنیفه و پاسخ‌دهنده ابوحنیفه امام اعظم و بنیان‌گذار فقه حنفی است.

جلد دهم کتاب /المبسوط سرخسی (متوفای ۴۸۲ هـ ق) نشان می‌دهد که مراد از اصطلاح «سیر» چه بوده و درواقع کتب حقوق بین الملل علمای مسلمان حاوی چه مطالب بوده است: «بدان که واژه "سیر" جمع "سیره" است و (شیبانی) از آن رو این کتاب را به این نام خواند، که در آن شیوه مسلمانان در رفتار با مشرکان حربی، با متعاهدان مستأمن، با اهل ذمه و با اتباع غیرمسلمان و نیز با مرتدان کافران هستند؛ زیرا بعد از اقرار به اسلام، آن را منکر شده‌اند، ذکر شده است. هم‌چنین شیوه رفتار با اهل بغی، که وضعیت شان کمتر از مشرکان قابل سرزنش است، چه آن‌ها جاهل‌اند و از این رو به راه ناصواب درافتاده‌اند، در این کتاب آمده است» (السرخسی، ۱۳۲۴: ۱۰/۲).

سرانجام این که اصطلاح «سیر» از نظر لغه‌وی به معنای هر نوع سلوک و طرز رفتار بوده است، اما بعدها به رفتار پیام‌بر^(ص) در جنگ‌ها اطلاق شد و سپس بر رفتار حاکم مسلمان در امور بین‌المللی اطلاق گردید (حمیدالله، ۱۳۹۹: ۱۸ و ۱۹)؛ بنابراین، اصرار فقیهان مسلمان به گنجاندن حقوق بین‌الملل در مجموعه‌های فقهی به عنوان فصلی از آن بسیار تأکید شده است. به عقیده فقیهان، قواعد رفتار بین‌المللی قسمتی از فقه اسلام را تشکیل می‌دهد و نمی‌توان آن‌ها را به صلاح‌دید و رأی شخصی فرمان‌روایان و هوا و هوس و امیال سیاست‌مداران وا گذاشت؛ از این رو، زمان قبول ویژه‌گی حقوقی برای حقوق بین‌الملل به دوران معاصر نیست، بل که به ابتدای اسلام برمی‌گردد (حمیدالله، ۱۳۹۹: ۹۱). دقیقاً به آن زمان که وجود دولت اسلامی اعلان می‌شود روابط میان دولت اسلامی و سایر دولت‌های موجود آن زمان برقرار می‌گردد.

حقوق بین‌الملل اسلامی را می‌توان این گونه تعریف کرد: آن قسمت از قواعد و عُرف راجع به تعهدات سرزمینی و قراردادی که یک دولت اسلامی_ اعم از دوفاکتو یا دوژوره^۱_ آن را در روابط خود با سایر دولت‌های دوفاکتو یا دوژوره مراعات می‌کند (حمیدالله، ۱۳۹۹: ۱۰). با این تعریف اگر منظور از کاربرد عنوان حقوق بین‌الملل اسلامی، مطالعه و بحث و بررسی پیرامون قواعد و مقررات ناظر و حاکم بر مناسبات کشورهای اسلامی_ کشورهایی با نظام‌های سیاسی اسلامی_ بود شاید آن عنوان تا حدودی رساننده مقصود می‌گردید (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۳: ۲۱)؛ اما با این مفهوم حقوق بین‌الملل اسلامی مفهوم «عام» ارائه نمی‌دهد، بل که مفهوم «خاص» از آن استنباط می‌شود و تنها در میان کشورهای اسلامی حاکم خواهد بود، نه کشورهای اسلامی و غیراسلامی.

هم‌چنین اسلام مقرراتی دارد که باید در روابط خارجی کشورهای اسلامی با کشورهای دیگر رعایت شود. این مقررات تحت عنوان حقوق عمومی خارجی اسلامی یاد می‌گردد و تعریفی که حقوق دانان و پژوهش‌گران اسلامی از حقوق بین‌الملل می‌نمایند، به‌طور عمده با تعریف حقوق

۱. دو اصطلاح دوفاکتو و دوژوره، اصطلاحاتی است که در هنگام شناسایی دولت‌ها مطرح می‌شود. دوفاکتو به معنای شناسایی موقتی یا عملی و دوژوره به معنای شناسایی رسمی و قانونی می‌باشد.

عمومی خارجی منطبق است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۳: ۲۳)؛ به عبارت دیگر، حقوق بین الملل اسلامی دربرگیرنده کلیه قواعد حاکم بر روابط بین المللی و تأمین کننده تمامی حقوق انسان ها در روابط بین المللی است. ایجاد چنین قواعد جامع و کاملی، صرفاً بر اراده های بشری استوار نیست، بل که باید خاستگاه اصلی آن را در اراده فرابشری و خداوندی جست و جو نمود.

به قول پروفیسور مارسل بوازار، اسلام شناس مشهور سوئیسی، «اگر فلسفه تأسیس دانش حقوق بین الملل را دگرگونی در روابط ملت ها و جلوگیری از تجاوز زورمندان و توان گران، برابری و برادری انسان ها بدانیم، باید اذعان کنیم که پیغمبر اسلام^(ص) بیان گذار حقوق بین الملل بوده است» (به نقل از: ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۳: ۲۴). برای تأیید سخن بوازار کافی است تنها به نخستین قانون اسلامی دولت اسلامی یا همان منشور مدینه مراجعه کرد. این سند به وضوح نشان می دهد که حقوق ملت های گوناگون حاضر در مدینه به خوبی رعایت شده است.

عده ای از فقیهان حقوق بین المللی را این چنین تعریف می کنند: عبارت از مجموعه قواعدی است که واجبات و حقوق بین الملل را در روابط بین المللی متقابل تنظیم کرده و حدود آن را تعیین می کند. تعداد دیگری می گویند: عبارت است از مجموعه قواعدی است که حقوق و واجبات میان دولت ها و هم چنان حقوق و واجبات غیر دولت ها (سایر نهادهای بین المللی، مانند سازمان های بین المللی) که به زیرمجموعه ها و اجزای این رشته از حقوق ارتباط دارد، تنظیم می کند (ابو زهره و زیدان، ۱۳۹۲: ۱۱۶). به صورت کلی می توان گفت: حقوق بین الملل اسلامی عبارت از مجموعه قواعد و احکام اسلامی است که دولت اسلامی در تنظیم روابط اش با دولت های دیگر به اجرا و رعایت آن متعهد است (ابو زهره و زیدان، ۱۳۹۲: ۱۲۹).

از تعریف فوق می توان چندین ویژه گی یی را معین کرد:

- با توجه به تعریف، حقوق بین المللی اسلامی جزو حقوق عمومی داخلی دولت اسلامی است، و حقوق داخلی دولت اسلامی، همان شریعت اسلامی است. پس این شریعت است که تمام روابط (صرف نظر از ماهیت و نوعیت آن) دولت اسلامی را تنظیم می کند؛
- اساس تعهد دولت اسلامی به اجرای حقوق بین الملل فقط اراده و خواست آن دولت است. به این معنا که باید دولت اسلامی در معاهدات و روابط خود با سایر دولت ها، اجرای آن معاهدات را تعهد نماید؛ زیرا این دولت اسلامی است، که می خواهد حقوق بین المللی را اجرا نماید؛
- حقوق بین المللی اسلامی حقوق است، که روابط دولت اسلامی را با دولت های غیر اسلامی تنظیم می کند و این نکته در آن مفروض است، که دولت اسلامی یکی است، هر چند امروزه دولت های متعددی اسلامی وجود دارد (ابو زهره و زیدان، ۱۳۹۲: ۱۲۹-۱۳۴). باین حال می توان گفت هر دولت اسلامی، که با سایر دولت ها رابطه برقرار می کند، روابط آن باید مبتنی بر همان احکام شریعت باشد با در نظر داشت این نکته، دولت های اسلامی واحدهای جداگانه اما یک کل به شمار می رود.

۴. نقش امام شیبانی در تدوین و توسعه حقوق بین الملل اسلامی

برخلاف تصور رایج در میان حقوق دان های غربی که غالباً به حقوق دان هلندی قرن شانزدهم و هفدهم، هوگو گروسیوس (۱۵۸۳-۱۶۸۳) عنوان «پدر حقوق بین الملل» می دهند، دانش مند حقوقی اسلامی، محمد شیبانی، حدود هشت قرن قبل از هوگو گروسیوس، با تدوین و سامان دهی قواعد حقوق بین الملل اسلامی تحت عنوان خاصی از قوانین اسلامی به نام «السیر»، که طبق شریعت قوانین جنگ و صلح را در برمی گیرد، پیش گام بوده است. جوزف فایرهر فون هامر-پورگستال^۱، دیپلومات اتریشی و از پیش گامان قرن نوزدهم^۲، با بررسی یکی از آثار اصلی شیبانی در مورد این موضوع در سال ۱۸۲۷، از این که یک حقوق دان غیراروپایی هشت صد سال پیش از گروسیوس رساله یی علمی و منظم در باب اصول و قواعد حاکم بر روابط خارجی دولت نوشته است، در حیرت می افتد و مقاله یی در این مورد می نویسد و در آن شیبانی را هوگو گروسیوس مسلمانان لقب می دهد (Baderin, 2012: 797) در یک تحقیق دیگر، کریستوفر ویرامنتری، قاضی سابق و معاون رئیس دیوان بین المللی دادگستری^۳، شیبانی را به عنوان نویسنده مفصل ترین رساله اولیه در مورد حقوق بین الملل معرفی کرد، و متوجه شد که «السیر» پیش رو توسعه حقوق بین الملل مدرن بوده و این که کار هوگو گروسیوس در حقوق بین الملل ممکن است تحت تأثیر حقوق بین الملل مدرن بوده و این که کار هوگو زمینه باشد (الدسوقی، ۱۹۸۷: ۳۴۳). مطمئناً این باعث می شود که شیبانی «پدر بزرگ حقوق بین الملل» باشد. لسافر^۴ در مقاله جدیدی در مورد تاریخ حقوق بین الملل اظهار داشت: شکی نیست که شیبانی و آثار او در مورد «السیر» باید برای درک کامل از سهم عظیم وی در شکل گیری حقوق بین الملل به عنوان یک حقوق دان، بخشی از آن مطالعه را تشکیل دهند و قبل از هوگو گروسیوس حدود هشت قرن در آن زمینه بود (Baderin, 2012: 797). هانس کروز^۵ خاورشناس آلمانی در سال ۱۹۹۵ برای تجلیل از جای گاه علمی شیبانی و نقش او در تاریخ حقوق بین الملل به تأسیس «گروه حقوق بین الملل شیبانی» همت گماشت (شیبانی، ۱۳۹۹: ۱۵) و در مقاله خویش می نویسد: «اطلاق چنان لقب بزرگی "هوگو گروسیوس" به یک حقوق دان مسلمان که در اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم میلادی می زیست توسط عالم برجسته یی چون پورگستال کار شگرفی بود؛ لیکن این عمل نزد علمای اروپایی با استقبالی مواجه نشد؛ لذا لازم است تلاشی دیگر در این برهه به عمل آید تا شیبانی جای گاهی را که به حق شایسته آن است در تاریخ حقوق بین الملل به دست آورد» (شیبانی،

¹ porgstall

² Joseph Freiherr von Hammer-Purgstall, a 18th/19th-century Austrian diplomat.

³ Christopher Weeramantry, a former judge and Vice-President of the International Court of Justice.

⁴ Lesaffer.

⁵ Hans kruse

۱۳۸۹: ۶۰). جان استراوسان^۱ استاد دانش گاه لندن در مقاله یی می نویسد: «در حقوق بین الملل عمومی، عقیده مشهور بر این است که این علم تماماً ریشه غربی دارد ...؛ درحالی که در قرن هشتم عصر ما (میلادی) حقوق دانان مسلمان «السیر» را ابداع و تدوین نمودند؛ یعنی نصوصی که موضوع شان همان است که بعدها اروپائیان حقوق بین الملل نامیدند. به عنوان نمونه «سیر» شیبانی در اواخر قرن هشتم نوشته شده است، یعنی هشت صد سال پیش از آن که گروسیوس قلم بر لوح نهد. رساله شیبانی حاوی مقررات دقیق راجع به قانون جنگ، قانون اشغال سرزمین، قانون معاهدات، دیپلماسی و حقوق بیگانه گان است. این نوشته حتا برای کسانی که به حفظ محیط زیست علاقه مند هستند جالب توجه است. طالبان حقوق بین الملل در جهان امروز نسبت به بسیاری از فتاوی شیبانی در خصوص حقوق جنگ احساس غربت نخواهند کرد» (شیبانی، ۱۳۸۹: ۶۳). انجمن حقوق بین الملل شیبانی که سال نامه حقوق بین الملل فلسطین را منتشر می کند، در ابتدای سال نامه با ذکر این که این انجمن نام خود را از محمد بن حسن شیبانی اخذ نموده او را چنین توصیف می کند: «این انجمن نام خود را از شیبانی می گیرد. او محمد بن حسن شیبانی است، که در سال ۷۵۰ میلادی در شهر واسط عراق متولد شد و در سال ۸۰۴ میلادی از دنیا رفت. وی شاگرد فقیه برجسته مسلمان ابوحنیفه بود. شیبانی سپس قاضی القضاات بغداد شد، که بالاترین مقام قضایی در آن زمان بود، لیکن وی از این مقام کناره گرفت تا وقت و نیروی خود را صرف کارهای حقوقی نماید. یکی از کتب برجسته وی السیر/الکبیر است که شاید اولین رساله در موضوع حقوق ملل باشد، که از دید یک فقیه مسلمان نوشته شده است» (شیبانی، ۱۳۸۹: ۴۰). این کتاب برازنده ترین منزلت را در میان کتاب هایی که در زمینه حقوق بین الملل اسلامی و سیر نوشته شده، دارد.

بنابراین، مانند سایر جنبه های احکام اسلامی، احکام السیر از قرآن، آداب پیام بر (سنت) و شیوه های مربوط به اولین خلفای مسلمان به دست می آید؛ بنابراین، شیبانی برای نوشتن موضوع حقوق بین الملل نه بنیان گذار بود و نه نخستین حقوق دان اسلامی. استاد او، ابوحنیفه نخستین کسی است که اثری مستقل در این زمینه تألیف می کند؛ اما شیبانی به عنوان پُرکارترین فقهی-حقوق دان زمان خود شناخته شده است، که به طور منظم روی این موضوع می نویسد، اما اغلب با استناد به نظرات استاد خود ابوحنیفه و دیدگاه ابویوسف استاد و هم درس خویش به پیش رفته است.

درحالی که آثار شیبانی در «السیر» اساساً قوانین و رفتارها را در مورد جنگ و صلح سامان داده بود، که قلمرو مسلمانان (دارالاسلام) باید در رابطه با قلمرو غیرمسلمان (دارالحرب) حمایت کند؛ اما باین وجود، بسیاری از موضوعات حقوق بین الملل مدرن، مانند معاهدات، صلاحیت سرزمینی،

¹ John Strawson

محیط زیست، انواع و رفتارهای جنگ، روابط صلح آمیز، روابط دیپلماتیک، قوانین بی طرفی... را شامل است. به عنوان مثال، وی در نوشته های خود ثابت کرد، که می تواند روابط معاهدات دایمی میان کشورهای اسلامی و غیر اسلامی وجود داشته باشد و نباید سوءاستفاده، خیانت، مثله کردن مرده گان و کشته شدن کودکان هنگام جنگ وجود داشته باشد (Baderin, 2012: 797).

۵. کتاب های سیر و تدوین و توسعه حقوق بین الملل اسلامی

منظور از سیر احکام جهاد، نبرد و آنچه در آن جواز دارد و یا ندارد است؛ درعین حال احکام صلح، موادعه (معاهدات)، احکام امان، احکام غنایم، فدیة، برده گی و غیره را که در زمان جنگ و بعد از آن اتفاق می افتد در برمی گیرد؛ هم چنین شامل تنظیم برقراری روابط بین المللی را میان مسلمانان و غیرمسلمانان در برمی گیرد.

امام محمد در زمینه سیر دو کتاب تحت عناوین «السیر الصغیر» و «السیر الکبیر» نوشته است. می گویند سیر صغیر نخستین کتاب است که اُمم به رشته تحریر درآورده است آخرین کتاب وی نیز سیر کبیر است. روایت است کتاب سیر صغیر به دست امام اوزاعی قرار گرفت و گفت این کتاب از چه کسی است؟ گفتند از محمد عراقی. گفت: اهل عراق را به علم سیر چه کار است، این علم مربوط به اهل حجاز و شام است. می گویند این سخن اوزاعی به امام محمد رسید و او کتاب سیر کبیر را نوشت. روایت است امام محمد کتاب سیر کبیر را در ۶۰ دفتر نوشت و آن را نزد خلیفه فرستاد، هنگامی که خلیفه به کتاب نگاه کرد، تعجب نمود و سپس فرزندان خویش را نزد امام محمد فرستاد تا از او بیاموزند (عبدالله، ۲۰۵۵: ۸۰ و حاجی خلیفه، بی.تا: ۱۰۱۴).

کتاب سیر کبیر به عنوان مهم ترین کتاب در زمینه حقوق بین الملل اسلامی شامل موضوعات متعدد می شود. کتاب سیر با فضیلت جهاد شروع می شود و در آن به روش های دعوت به اسلام نیز پرداخته شده است. سپس به بهترین جهاد و زمان جهاد می پردازد. بعداً در فصل جداگانه به حدیث از پیامبر (ص): «امرت ان اقاتل الناس حتی یقولوا: لا اله الا الله، فاذا قالوها فقد عصموا منی دماءهم و اموالهم الا بحقها و حسابها علی الله»، اشاره نموده و همه احکام را پیرامون این حدیث به تفصیل بررسی کرده است. در ادامه همین فصل به سجدة شکر، نماز خوف، شهید، کسانی که به جهاد می روند، امان و مستأمن ها، ذمی ها، حضور زن ها در جنگ، ... می پردازد. در فصل بعدی به انواع انفال، خمس، غنیمت پرداخته و تمام موارد را با جزئیات کامل شرح می دهد و آن گاه به مسائلی مانند فدیة، اصول جنگ، احکام اسلام در سرزمین های غیراسلامی و مسائل فقهی ... اشاره می کند. پس از این به احکام موادعه، اهل ذمه و مستأمن، مرتدان بعضی احکام اسلامی در دارالحرب می پردازد و سرانجام کتاب را با موضوعاتی مانند عشرها، جزیه، خراج و آنچه پیش از جنگ برای دعوت به

اسلام ضرورت است و بعضی از احکام اسرا را بیان می‌کند (الدسوقی، ۱۹۸۷: ۳۵۹-۳۶۵). درواقع می‌توان گفت، آنچه امروز در حقوق بین‌الملل وضعی مطرح می‌باشد، امام شیبانی به‌خوبی در کتاب‌های سیر خویش دوازده قرن پیش بیان و مطرح کرده است. از میان اصول متعددی که در کتاب‌های سیر صغیر و سیر کبیر وجود دارد، به تعدادی از آن‌ها به عنوان مهم‌ترین اصول و شالوده‌ها اشاره می‌شود. هرچند این اصول امروزه در مسائل بین‌المللی به رشته‌های مختلفی مرتبط می‌شود، اما هم‌چنان اصول مورد قبول میان دولت‌ها حاکم است.

۵-۱. اصل دو دار

یکی از اهم مفاهیم و اصولی که در کتاب‌های امام شیبانی به آسانی قابل مشاهده است، تقسیم جهان به دارالاسلام و دارالحرب است. این تقسیم‌بندی آثار بسیار مهمی در قواعد حقوق بین‌الملل اسلامی دارد. ابوحنیفه، ابویوسف و شیبانی نه‌تنها به این تقسیم‌بندی عمیقاً متعقد و وفادار بودند، بل که در هر بخش از بحث‌های خود جای پای از این مفهوم را می‌بینیم و همان‌گونه که در متن کتاب‌های امام شیبانی ملاحظه می‌شود، مراقبت بسیاری کرده‌اند، که آثار این تقسیم‌بندی در جزئی‌ترین احکام نیز رعایت گردد.

تقسیم‌بندی جهان به دارالاسلام و دارالحرب سگویی است که قواعد حقوق بین‌المللی اسلامی بر آن استوار است و بدون وقوف به آن، درک حقوق بین‌الملل اسلامی مسیر نخواهد شد؛ دارالاسلام یعنی حوزه نفوذ حاکمیت قوانین عمومی اسلام و یا حکومت اسلامی، خواه ساکنان آن مسلمان باشند خواه غیرمسلمان. اگر چنان‌که بخواهیم این مفهوم را با معیارهای امروزی مقایسه کنیم، دارالاسلام همانا کشور اسلامی است، یعنی سرزمینی که قوانین عمومی کشور اسلامی در آن جاری است. در مقابل آن، دارالحرب است، که عبارت است از سایر جهان. با توجه به این مطلب، واژه دارالحرب لزوماً به معنای سرزمین دشمن حربی نیست. به همین ترتیب، حربی به‌معنای بیگانه است و لزوماً به معنای شخصی که در حال جنگ با حکومت اسلامی است، نمی‌باشد (شیبانی، ۱۳۸۹: ۷۴). هم‌چنین قابل یادآوری است که اصطلاحات دیگر نیز در زمینه وجود دارد، مانند دارالعهد، دارالصح و دارالهدنه، که هر یک از این مفاهیم موارد استفاده خاص خود را دارد.

۵-۲. اصل اعتبار مقررات خارجی

یکی از عواملی که آرای امام ابوحنیفه (ع) و شاگردانش را در این موضوع از دیگران متمایز می‌کند، اصل اعتبار مقررات خارجی است؛ این اصل جزو اصول بنیادین در موضوع سیر به‌شمار می‌رود. آنان مقرراتی را که در آن سوی مرزهای اسلام، در دارالحرب وضع می‌شود، برای مسلمانانی که در

دارالحرب به سر می‌برند، و نیز برای کسانی که برای جهان گردی یا تجارت به آن دیار می‌روند، معتبر و الزام‌آور می‌دانند. این درحالی است که در آن زمان روابط بین الملل بسیار محدود بود، جنگ و نبرد مهم‌ترین رابطه ملت‌ها تلقی می‌گردید. در چنین وضعیتی، حنفی‌ها به این باور بودند که باید به قانون دیگر کشورها پای‌بند بود. نظم مهم و قابل احترام است. حتی اگر توسط بیگانه‌گان وضع شده باشد. حنفی‌ها به جهانیان آن روز آموختند تفاوت‌های اقلیمی و حتی ایدئولوژیکی نمی‌تواند مانع احترام ملت‌ها به یکدیگر و عدم رعایت اصل حُسن هم‌جواری گردد. قانون، تقدُس دارد و باید به آن التزام داشت؛ حتی اگر واضح آن غیرخودی باشد (شیبانی، ۱۳۹۹: ۱۸). مثلاً نکاح اهل الحرب در دیار خود به رسمیت شناخته می‌شود هرگاه زن و شوهری حربی تحت امان وارد دارالاسلام شوند نکاح آنان باقی است هرچند شرایط شکلی نکاح اسلامی مانند حضور شهود رعایت نشده باشد و یا نکاح دارای موانع شرعی باشد، مثلاً زن در عده ازدواج کرده باشد. هرگاه چنان زوجی مسلمان گردند، نکاح فاسد نیست و هنوز باقی است، مگر در مواردی که خلاف اخلاق و نظم عمومی باشد؛ مانند این که مرد پنج زن دائم داشته باشد و یا دو خواهر را هم‌زمان به نکاح خود درآورده باشد و یا با مادر و دختر ازدواج کرده باشد، که لازم است یکی را طلاق دهد (شیبانی، ۱۳۸۹: ۷۵). امروزه علی‌رغم پیشرفت‌های بسیاری که در عرصه حقوق بین الملل و روابط بین الملل ایجاد شده و رشته‌یی به این نام و عناوین دیگر به موضوع روابط بین الملل می‌پردازد، بازهم، شاید التزام به قانون خارجی یک ایده‌آل تقلی می‌گردد. به این معنا که هنوز تعدادی از دولت‌ها و نیروهایی وجود دارند که به هیچ قاعده و قانونی پای‌بند نیستند؛ باین حال چه خوب است که نه‌تنها این که از این اصل میان دولت‌های اسلامی با یکدیگر بیش‌تر استفاده شود، بل که میان دولت‌های اسلامی و غیراسلامی نیز رعایت گردد.

۵-۳. اصل صلاحیت سرزمینی

امام ابوحنیفه (ح) و یارانش به اصل امروزی «صلاحیت سرزمینی» باور داشتند. آنان مجرمانی که در داخل سرزمین‌های مسلمانان مرتکب جرم می‌شدند، با مقررات اسلامی محاکمه می‌نمودند؛ هرچند مجرم تابعیت خارجی داشته باشد و به اصطلاح اهل دارالحرب باشد (شیبانی، ۱۳۹۹: ۱۸). هم‌چنین دیگر اعمال حقوقی مردم در دارالحرب به رسمیت شناخته می‌شود؛ ولی آن اعمال در دارالاسلام اثر و اعتباری ندارد. به‌عنوان مثال، هرگاه عده‌یی از تجار دارالحرب با مجوز وارد دارالاسلام شوند، دیون و طلب‌هایی که در دیار خود نسبت به یکدیگر دارند، قابل شناسایی و اجرا در دارالاسلام نیست و نسبت به اصل دین و طلب نیز قضاوتی نمی‌شود؛ اما دیون و طلب‌هایی که منشأ آن دارالاسلام است مورد شناسایی قرار گرفته و قابل اجراست. حتی اگر یک حربی در دارالحرب مدیون یک مسلمان باشد، این گونه دینی در دارالاسلام قابل شناسایی و اجرا نیست (شیبانی، ۱۳۸۹: ۷۷)؛ زیرا این اعمال

حقوقی مربوط به سرزمین دیگری می شود و همان دار صلاحیت رسیده گی به آن را دارد. از همین لحاظ است که در حقوق دیپلماتیک اسلامی نیز مصونیت قضایی در سرزمین های اسلامی استثنا ندارد و بر همه گان قابل تطبیق است. این اصل امروزه در حوزه حقوق بین الملل کیفری قرار دارد و در اسناد مختلف بین المللی مورد قبول قرار گرفته است.

۵-۴. اصل سرزمینی بودن مجازات

فقیهان اهل رأی با تأکید بر فلسفه مجازات، که همان تنبیه و بازدارنده گی است، ارتکاب جرایم را در خارج از مرزها مستوجب مجازات نمی دانستند؛ به دیگر سخن، به آن چه امروز از آن به اصل صلاحیت شخصی یاد می شود، کم تر اهمیت می دادند. این دیدگاه حنفی ها که در آن زمان منتقدان زیادی داشت، به فلسفه مجازات تکیه دارد (شیبانی، ۱۳۹۹: ۱۹). مثلاً راجع به جنایات ارتكابی در دارالحرب همان قوانین دارالحرب جاری است؛ زیرا بنا به رأی ابوحنیفه: «آن اعمال در جایی ارتکاب یافته است که احکام اسلام جاری نیست»؛ هم چنین، معامله مسلمان با حربی در دارالاسلام باید واجد شرایط شرعی باشد؛ ولی در دارالحرب چنین الزامی نیست. به این معنا که مسلمان مجاز نیست در دارالاسلام با یک حربی معامله یی متضمن ربا یا خمر یا میده انجام دهد، ولی همان مسلمان مجاز است در دارالحرب «میده بفروشد و یا دو درهم در ازای یک درهم بگیرد» (شیبانی، ۱۳۸۹: ۷۷). به سخن دیگر، مجازات جرایمی که در خارج از محدوده سرزمینی ارتکاب یافته اند، به صیانت از نظم یاری نمی رساند؛ به عبارت دیگر، مجازات جرم باید در همان محلی صورت گیرد، که نظم آن در اثر جرم از بین رفته است و اعمال مجازات در خارج از آن محدوده هیچ تأثیری در صیانت از نظم ندارد. البته قابل مجازات ندانستن به معنای جایز دانستن نبود، امام شیبانی، ضمن گناه و ناروادانستن ارتکاب این اعمال در دارالحرب، از آن جا که این اعمال، معمولاً شاکی خصوصی نداشتند، بر ایشان مجازاتی در نظر نمی گرفتند (شیبانی، ۱۳۹۹: ۱۹). البته همه این موضوعات بیش تر به زمانی صدق می کند، که روابط بین الملل بسیار محدود بود و غالباً روابط خصمانه وجود داشت؛ همین گونه هیچ نوع معاهده استرداد مجرمان میان دولت ها وجود نداشت و اطلاع از رفتار شهروندان در خارج از مرزها بسیار مشکل بود.

۵-۵. تعارض قوانین

تعارض قوانین زمانی رخ می دهد که یک رابطه حقوقی خصوصی (مانند ازدواج و یا معاملات)، به واسطه دخالت یک یا چند عامل خارجی به یک یا چند کشور ارتباط پیدا کند. در آن زمان، امام ابوحنیفه (ح) و یارانش برای تعارض قوانین مقررات وضع کردند. ابوحنیفه (ح) و شاگردانش با

معتبر دانستن اختلافات تقنینی میان کشورها، به چاره اندیشی و رفع تعارض پرداختند. تعارضات در دو حوزه اتفاق می افتاد: احوال شخصیه (ازداج، طلاق، ارث، وصیت ...) و معاملات، فقیهان اهل رأی با صحنه گذاشتن بر مقررات بیگانه گان در این دوره، برای حل تعارض به وضع مقررات دست زدند، که در کتابهای احناف تحت عنوان مسائل اختلاف دو دار مطرح شده است (شیبانی، ۱۳۹۹: ۲۰). تعارض قوانین امروز از مباحث مهم حقوق بین الملل خصوصی است.

۵-۶. اصل رعایت متقابل

اصل رفتار متقابل مبنای قرآنی و سنت نبوی دارد و در بسیاری از آیات قرآن کریم (بقره، ۱۹۴؛ انعام، ۱۶۰؛ یونس، ۳۷؛ نحل، ۱۲۶؛ حج، ۶۰؛ غافر، ۴۰؛ شورا، ۴۰) و احادیث پیامبر^(ص) به آن اشاره شده است. امام ابوحنیفه^(ح) و یارانش در رفتار با حربه ها حتا زمانی که پیمان صلحی میان حربه ها و مسلمانان وجود ندارد، قائل به معامله به مثل هستند. ابوحنیفه به خلیفه توصیه می کند با غیرمسلمانانی که وارد دارالاسلام می شوند، همان طوری رفتار کند که حربه با مسلمانان رفتار می کنند (شیبانی، ۱۳۹۹: ۱۸-۲۱). این رفتار به مثل یا عمل متقابل، محدود در یک زمینه نیست، بل که در تمام امور و به ویژه در زمینه هایی که قواعد و مقررات خاصی وجود ندارد، استفاده از این اصل مبرم تر می شود. این اصل امروزه در حقوق بین الملل وضعی، از جمله اصول کلی و یکی از ضمانت اجراهایی به شمار می رود که همه دولت ها به آن استناد می کنند.

۶. مناقشه

بیان سه نکته اساسی در مورد حقوق بین الملل اسلامی و نقش امام محمد در تدوین توسعه آن، ادای مطلب می کند: نخست در مورد این که چه کسی برای نخستین بار در زمینه حقوق بین الملل اسلامی کتاب نوشته، دیدگاه های مختلفی مطرح است. عده ای از نویسندگان زید بن علی را نخستین کسی می دانند که در این زمینه کتاب نوشته و این مبحث در کتاب «المجموع فی الفقه» آمده است. هرچند ثبوت این اثر هنوز مورد انتقادهای شدید قرار دارد. نکته دوم این که هرچند امام ابوحنیفه^(ح) در این زمینه کتابی تدوین نکرده است، اما به نظر می رسد در حلقه درس خویش مسائلی را که تحت عنوان «السير» جمع آوری شده به شاگردان خویش، از جمله امام محمد تعلیم داده است. نکته سوم این که تعدادی از محققان به این نظر اند که امام محمد در واقع راوی درس های استاد خویش امام ابوحنیفه و تنها تدوین کننده فقه امام ابوحنیفه است؛ به هر حال، تردیدی در این نیست که امام محمد، تدوین کننده و توسعه دهنده حقوق بین الملل اسلامی است و آثار وی در تدوین و توسعه حقوق

بین الملل اسلامی بیش ترین تأثیر را داشته و او از سوی عده یی به عنوان مؤسس حقوق بین الملل اسلامی شناخته شده است.

تفاوت اساسی کار حاضر با تحقیقات پیشین، از جمله آثار عبدالحکیم سلیمی، محمد الدسوقی، زاهد کوثری و عثمان ضمیریه، در آن است که این مقاله نقش بنیادین و محوری شیانی را در قالب یک پروژه نظام مند تدوینی بررسی کرده، نه صرفاً به عنوان تابع فقه حنفی یا ناقل درس های استاد. بسیاری از آثار پیشین تنها به جنبه هایی از آثار شیانی اشاره کرده اند یا با تمرکز بر فقه عام، سیر را به عنوان شاخه یی فرعی تلقی کرده اند؛ در حالی که تحقیق حاضر نشان می دهد حقوق بین الملل اسلامی، به واسطه تألیف «السیر الکبیر» و «السیر الصغیر»، برای نخستین بار از حالت ضمنی و پراکنده به شکلی مستقل، منسجم و نظام مند درآمده و این کار را امام شیانی انجام داده است.

درواقع، مقایسه محتوایی بین آثار شیانی و آنچه امروزه به عنوان اصول بنیادین حقوق بین الملل شناخته می شود، نشان دهنده حضور موضوعاتی مانند صلاحیت سرزمینی، رعایت متقابل، تعارض قوانین، رفتار با بیگانه گان، احترام به معاهدات و عدم تجاوز به غیرنظامیان در هنگام جنگ است. این ها نشان می دهد که امام شیانی نه تنها در سطح نظری، بل که در سطح نهادی، روشی و محتوایی، بنیان گذار حقوق بین الملل اسلامی بوده است؛ به ویژه با توجه به این که آثار او مورد توجه خاورشناسان برجسته یی مانند فون هامر پورگستال، کریستوفر ویرامنتری و هانس کروزر قرار گرفته و بارها از او به عنوان «هوگو گروسیوس مسلمان» یا حتا «پدر بزرگ حقوق بین الملل» یاد شده است.

از این منظر، تفاوت بنیادین این پژوهش با آثار پیشین در آن است که به جای ارزیابی توصیفی، رویکرد تحلیلی - نظام مند اتخاذ کرده و امام شیانی را نه فقط به مثابه یک فقیه محدث، بل که به عنوان یک نظریه پرداز حقوق بین الملل در قالب یک مکتب مستقل فقهی معرفی نموده است؛ مکتبی که پایه گذار قواعدی بوده که قرن ها پیش از حقوق بین الملل غربی به صورت منسجم تدوین شده اند.

۷. نتیجه گیری

با جمع بندی یافته های این پژوهش می توان نتیجه گرفت که: امام محمد بن حسن شیانی با نگارش آثار ارزشمندی چون السیر الصغیر و السیر الکبیر نه تنها به نظام مندسازی و تدوین مباحث پراکنده فقهی در زمینه روابط بین الملل اسلامی همت گماشت، بل که اساس و چهارچوبی برای شکل گیری حقوق بین الملل اسلامی در قالب یک نظام منسجم فراهم ساخت. آثار وی، که در بردارنده اصول کلیدی، مانند اصل صلاحیت سرزمینی، اصل رعایت متقابل، اصل اعتبار مقررات خارجی و اصل

سرزمینی بودن مجازات‌اند، از جنبه روش‌شناختی حقوقی، هم‌سطح با آثار بزرگان حقوق بین‌الملل مدرن چون گروسیوس ارزیابی می‌شوند.

نقش برجسته امام شیبانی در این میان نه صرفاً در تبیین احکام جنگ و صلح اسلامی، بل که در توسعه قواعد فقهی‌بی است که قابلیت کاربرد بین‌المللی و ساختاربخشی به روابط میان دولت اسلامی با دیگر جوامع را دارد. به همین سبب، وی نه تنها به عنوان یکی از پیش‌وایان فقه حنفی، بل که به عنوان «پایه‌گذار حقوق بین‌الملل اسلامی» شناخته می‌شود و آثارش پس از دوازده قرن، هم‌چنان منبعی مرجع و معتبر در تحلیل‌های فقهی - حقوقی این حوزه به‌شمار می‌آیند.

بدین ترتیب، اهمیت و اصالت کار امام شیبانی، هم در ابعاد تاریخی - تمدنی و هم در سطح نظام‌سازی حقوقی، فراتر از آن چیزی است که در بسیاری از آثار متقدم و متأخر بدان پرداخته شده است. این مقاله با تمرکز بر همین جنبه، کوشیده است سهم برجسته و یگانه وی را در تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل اسلامی بازنمایی کند؛ سهمی که بدون آن، تاریخ حقوق بین‌الملل اسلامی دچار خلایی بنیادین خواهد بود.

ORCID

Fazal ahmad Ahmadi



<https://orcid.org/0000-0002-2146-319X>

ارجاع به این مقاله (APA):

. احمدی، فضل احمد. (۱۴۰۴). «نقش امام شیبانی در تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل اسلامی». فصل‌نامه علمی - پژوهشی غالب. ۱۴(۲). ۱-۲۱. <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.2.1>

To Cite this Article (APA):

. Ahmadi, Fazal Ahmad. (2025). "The Role of Imam al-Shaybani in the Codification and Development of Islamic International Law". *Ghalib Journal*. 14(2). 1-21. <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.2.1>

سرچشمه‌ها

۱. قرآن کریم.

۲. ابن منظور، محمد بن حلال‌الدین. (۲۰۰۸ م). *لسان العرب*. ج ۲. بیروت - لبنان: دارالفکر.

۳. ابو زهره، محمد. (۱۹۴۷ م). *ابوحنیفه حیات، عصره، آرائه و فقه*. ناشر: دارالفکر العربی، نسخه الکترونیکی.

۴. ابو زهره، محمد و عبدالکریم وزیدان. (۱۳۹۲). اسلام و روابط بین المللی. ترجمه نعمت الله شهرانی. کابل: انتشارات خراسان.
۵. الجندی، عبدالحلیم. (۱۹۶۶ م). ابوحنیفه بطل الحریه و التسامح فی الاسلام. ج ۲۳. القاهرة - مصر: دارالمعارف.
۶. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله. (بی. تا). کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون. ج ۲. بیروت - لبنان: دار احیاء التراث العربی.
۷. حمیدالله، محمد. (۱۳۹۹). سلوک بین المللی دولت اسلامی. ج ۳. ترجمه سید مصطفی محقق داماد، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۸. حوی، احمد سعید. (۲۰۰۲ م). المدخل إلى مذهب الإمام أبی حنیفه النعمان. جده - المملكة العربیة السعودیة: دارالاندلس الخضراء.
۹. خلیلان، سیدخلیل. (۱۳۸۲). حقوق بین الملل اسلامی، ج ۱۰. تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. الدسوقی، محمد. (۱۹۷۸). الامام محمد بن الحسن الشیبانی و اثره فی الفقه الاسلامی. الدوحه - القصر: دارالثقافه.
۱۱. الذهبی، الامام الحافظ ابی عبدالله محمد بن احمد بن عثمان. (۱۴۰۸). مناقب الإمام ابی حنیفه و صحابه ابی یوسف و محمد بن الحسن. ج ۳. بیروت - لبنان: لجنه إحياء المعارف النعمانیة.
۱۲. الزحیلی، وهبه. (۱۴۲۷). الفقه الاسلامی و أدلته. ج ۸. ج ۳. تهران: نشر احسان.
۱۳. السرخسی، شمس الدین. (۱۳۲۴). المبسوط. ج ۱۰. مصر: مطبعة السعادة بجوار محافظة.
۱۴. شیبانی، محمد بن حسن. (۱۳۹۹). کتاب سیر (سیری در حقوق بین الملل اسلامی). ترجمه، مقدمه و تعلیق: سیدهاشم موسوی آبگرم. تهران: نشر احسان.
۱۵. شیبانی، محمد بن حسن. (۱۳۸۹). سیر شیبانی (حقوق روابط بین الملل در اسلام). ترجمه و حواشی حسین پیران. تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۶. صفدر، سرفرازخان. (۱۳۹۸). امام ابوحنیفه و جایگاه عملی ایشان. ترجمه: عبدالحفیظ زاهدی (ملازهی). زاهدان: انتشارات سروچ.
۱۷. الصیمری، القاضي ابی عبدالله حسین بن علی. (بی. تا). اخبار ابی حنیفه و اصحابه. بی جا: الخزانه الفقهیه.

۱۸. ضیایی بیگدلی، محمد رضا. (۱۳۹۳). **اسلام و حقوق بین الملل**. چ یازدهم. تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۹. عبدالله، احمد اسماعیل. (۲۰۰۵ م). «محمد بن الحسن الشیبانی: سیرته و اسهاماته الفقہیه». مجله ابیات کلیه التریبه الاساسیه. المجلد ۲، العدد ۴.
۲۰. عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۹۲). **قواعد فقه: بخش حقوق بین الملل**. ج چهارم. تهران: انتشارات سمت.
۲۱. الفهدوی، خالد. (۲۰۰۸ م). **الفقه السياسی الاسلامی**. چ سوم. سوریه - دمشق: دارالاول.
۲۲. الکوثری، محمدزاهد بن الحسن. (۱۳۵۵). **بلوغ الامانی فی سیره الامام محمد بن الحسن الشیبانی**. مصر: مکتبه الخانجی و مطبعته.
۲۳. الکنوی، الشیخ محمد عبدالحی الکنوی الهندی. (۱۴۱۹). **مجموعه رسائل الکنوی**. پاکستان: اداره القرآن و العلوم الاسلامیه.
۲۴. الندوی، علی احمد. (۱۹۹۴). **محمد بن الحسن الشیبانی (نابغه الفقه الاسلامی)**. دمشق: دارالقلم.
۲۵. النقیب، احمد بن محمد نصیرالدین. (۲۰۰۱ م). **المذهب الحنفی؛ جزء الاول (مراحله و طبقاته، مصطلحاته و خصائصه و مؤلفاته)**. ریاض: مکتبه الرشد.

26. Baderin, Mashood A. (2012). The Oxford Handbook of the History of International Law. Edited by Bardo Fassbender and Anne Peters. Print Publication.

References

1. Holy Quran.
2. Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukarram. (2008). Lisan al-'Arab, Vol. 2. Beirut, Lebanon: Dar al-Fikr. [In Arabic]
3. Abu Zahrah, Muhammad. (1947). Abu Hanifa: His Life, Era, Views, and Jurisprudence. Publisher: Dar al-Fikr al-'Arabi, Electronic Version. [In Arabic]
4. Abu Zahrah, Muhammad & Abdulkarim Zaydan. (2013). Islam and International Relations. Translated by Nematullah Shahrani. Kabul: Khorasan Publishing. [In Persian]
5. al-Jundi, Abdulhalim. (1966). Abu Hanifa: Hero of Freedom and Tolerance in Islam, 23rd ed. Cairo, Egypt: Dar al-Ma'arif. [In Arabic]
6. Haji Khalifa, Mustafa ibn Abdullah. (n.d). Kashf al-Zunūn 'an Asāmī al-Kutub wa al-Funūn, Vol. 2. Beirut, Lebanon: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]
7. Hamidullah, Muhammad. (2020). The International Conduct of the Islamic State, 3rd ed. Translated by Sayyid Mostafa Mohaqqueq Damad. Tehran: Center for the Publication of Islamic Sciences. [In Persian]

8. Hawwa, Ahmad Said. (2002). Introduction to the School of Imam Abu Hanifa al-Nu'man. Jeddah, Saudi Arabia: Dar al-Andalus al-Khadra. [In Arabic]
9. Khalilian, Seyyed Khalil. (2003). Islamic International Law, 10th ed. Tehran: Daftar Nashr-e Farhang-e Eslami. [In Persian]
10. al-Dusuqi, Muhammad. (1978). Imam Muhammad ibn al-Hasan al-Shaybani and His Contribution to Islamic Jurisprudence. Doha, Qatar: Dar al-Thaqafa. [In Arabic]
11. al-Dhahabi, Imam al-Hafiz Abu Abdullah Muhammad ibn Ahmad ibn 'Uthman. (1988). Merits of Imam Abu Hanifa and His Companions Abu Yusuf and Muhammad ibn al-Hasan, 3rd ed. Beirut, Lebanon: Committee for the Revival of Nu'mani Knowledge. [In Arabic]
12. al-Zuhayli, Wahbah. (2006). Islamic Jurisprudence and Its Proofs, Vol. 8, 3rd ed. Tehran: Nashr-e Ehsan. [In Arabic]
13. al-Sarakhsi, Shams al-Din. (1906). Al-Mabsut, Vol. 10. Egypt: Sa'adah Press. [In Arabic]
14. Shaybani, Muhammad ibn al-Hasan. (2020). Kitab al-Siyar (A Study in Islamic International Law). Translated, Introduced, and Annotated by Sayyid Hashem Mousavi Abgarm. Tehran: Nashr-e Ehsan. [In Persian]
15. Shaybani, Muhammad ibn al-Hasan. (2010). Siyar-e Shaybani (Islamic Law of International Relations). Translated and Annotated by Hossein Piran. Tehran: Ganj-e Danesh Publishing. [In Persian]
16. Safdar, Sarfaraz Khan. (2019). Imam Abu Hanifa and His Practical Status. Translated by Abdolhaziz Zahedi (Molazahi). Zahedan: Sarvach Publishing. [In Persian]
17. al-Saymari, Judge Abu Abdullah Husayn ibn 'Ali. (n.d). Akhbar Abi Hanifa wa Ashabihi. Place unknown: Al-Khizānah al-Fiqhiyyah. [In Arabic]
18. Ziaei Bigdeli, Mohammad Reza. (2014). Islam and International Law, 11th ed. Tehran: Ganj-e Danesh Publishing. [In Persian]
19. Abdullah, Ahmad Ismail. (2005). "Muhammad ibn al-Hasan al-Shaybani: His Life and Jurisprudential Contributions." Journal of the College of Basic Education Research, Vol. 2, No. 4. [In Arabic]
20. Amid Zanjani, Abbas Ali. (2013). Principles of Jurisprudence: Section on International Law, Vol. 4. Tehran: SAMT Publishing. [In Persian]
21. al-Fahdawi, Khalid. (2008). Islamic Political Jurisprudence, 3rd ed. Syria - Damascus: Dar al-Awa'il. [In Arabic]
22. al-Kawthari, Muhammad Zahid ibn al-Hasan. (1936). Balugh al-Amānī fī Sīrah al-Imam Muhammad ibn al-Hasan al-Shaybani. Egypt: Maktabat al-Khanji wa Matba'atuha. [In Arabic]
23. al-Laknawi, Shaykh Muhammad Abdul Hayy al-Laknawī al-Hindi. (1998). Majmū'at Rasā'il al-Laknawī. Pakistan: Idarat al-Qur'an wa al-'Ulum al-Islamiyyah. [In Arabic]
24. al-Nadwi, Ali Ahmad. (1994). Muhammad ibn al-Hasan al-Shaybani (A Genius of Islamic Jurisprudence). Damascus: Dar al-Qalam. [In Arabic]
25. al-Naqib, Ahmad ibn Muhammad Nasir al-Din. (2001). The Hanafi School, Part One: Its Stages, Classifications, Terminologies, Characteristics, and Writings. Riyadh: Maktabat al-Rushd. [In Arabic]
26. Baderin, Mashood A. (2012). The Oxford Handbook of the History of International Law. Edited by Bardo Fassbender and Anne Peters. Print Publication.